

در

کویربارانی

دیوان شمس

حسن پورزاہد

«زاہد»

سرشناسه	پورزاهد، حسن، ۱۳۱۴ -
عنوان و نام پدیدآور	در کویر بارانی: دیوان شعر / حسن پورزاهد
مشخصات نشر	تهران: تالار کتاب، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	چهل و سه، ۳۶۴ ص، [۳۲ ص. تصویر]؛ ۲۲×۲۹ س.م.
شابک	978-964-7251-71-6
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ د ۴ ۳۳۷ و / PIR ۷۹۹۲
رده بندی دیوب	۸ فا ۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۹۱۲۹۳

کتابخانه

تالار کتاب

نام کتاب: در کویر بارانی

مؤلف: حسن پورزاهد (زاهد)

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

سال چاپ: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: شرکت چاپ خواجه

تالار کتاب تهران، تلفن: ۲۲۷۴۰۶۳۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۵۱-۷۱-۶

ISBN: 978-964-7251-71-6

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

تلفن: ۰۹۱۲۳۴۰۳۴۰۷-۴۴۳۲۸۴۸۲

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

هفده	اراز مهر استادان صاحب نظر (در کویر بارانی).....
هجده	دستخط علام حنین امیرخانی.....
توزده	گذری و نظری بر جلد دوم دیوان نیلوفر مرداب با نام «در کویر بارانی».....
بیست و چهار	با پورزاهد عجین است، هر شعر هم شاعری را.....
درآمدی بر دیوان شعر استاد حنین	پورزاهد متخلص به «زاهد» با نام «در کویر بارانی».....
سی و سه	
۱	(پیش نگاه).....
۵	پرس و جوی ادبی پیش نگاه.....

بخش اول - غزلیات

۳۷	گم شده ای ایام.....
۳۹	زلب تادهان.....
۴۱	روی وریا.....
۴۳	به سمع رضا.....
۴۵	مستی عشق.....
۴۷	(دود عود شعر).....
۴۹	با پورزاهد عجین دان هم شعر هم شاعری را.....
۵۱	

۵۳	قصری برافراشت ایوان
۵۵	شکر خدا
۵۷	در گدوک ناروایی‌ها
۵۹	آرزو (۱)
۶۲	آستین خالی
۶۴	جاجا
۶۶	آرزو (۲)
۶۶	شادی هم‌رهان
۶۸	ترسم ای غنچه
۷۰	به یاد طالقان
۷۲	لطف شما زیاد
۷۴	بودن و رفتن
۷۶	مترسک‌ها
۷۷	شهر باران را
۷۸	سزای کم‌فروشی
۸۰	صبر را نازم
۸۱	آزاده باش
۸۳	سارا
۸۴	حسرت
۸۶	حسن
۸۸	پاسخ جلال
۹۰	ابر از محبت
۹۱	سلطان گل

۹۲	گلبنگ آزادی
۹۳	درد بی دردی
۹۴	ترک این بوم و بر نخواهد کرد
۹۵	در فتر فرهنگ
۹۶	صفیر بال بلدرچین
۹۸	پنبه در گوش
۱۰۰	نگاه مهر
۱۰۱	رهبرستانی
۱۰۳	طاق بصرت، گیس کمان
۱۰۵	در تلاوت شد
۱۰۶	غم خورک
۱۰۸	سرزنش آشنا
۱۰۹	نمی دهد
۱۱۰	بشکند
۱۱۲	برهان تبغ تیز
۱۱۴	فروماندگان و فرومایگان
۱۱۶	رقص مرگ
۱۱۸	پیام
۱۲۰	شرح این قصه
۱۲۲	نیزه‌ی مرد پارسی
۱۲۴	رها
۱۲۵	گریه کنیم
۱۲۷	(انسانم! این هم نشانم)

- ۱۲۹..... جام ادب
- ۱۳۱..... جام می ارغوان
- ۱۳۳..... همرنگ جماعت
- ۱۳۵..... گلبوته‌های سرخ
- ۱۳۶..... بلا
- ۱۳۷..... ای کاش.....
- ۱۳۸..... گوهر مقصود.....
- ۱۳۹..... شعر ناب.....
- ۱۴۱..... توی آب افتاده‌ام.....
- ۱۴۳..... دست فرمانی.....
- ۱۴۵..... (گنج) شایگان.....
- ۱۴۷..... با هم.....
- ۱۴۹..... جوانه‌ی شاداب.....
- ۱۵۱..... بلوغ توسن اندیشه.....
- ۱۵۳..... تکانه.....
- ۱۵۵..... حسب حال.....
- ۱۵۶..... به غیر عشق نخواهم.....
- ۱۵۸..... مسافر شب.....
- ۱۶۰..... مثال آهوی از بندرسته.....
- ۱۶۱..... شعر روان تر از آب.....
- ۱۶۳..... با خودم (۱).....
- ۱۶۵..... با خودم (۲).....
- ۱۶۷..... در کویر بارانی.....

۱۶۹	واج آوایی
۱۷۰	پای درگل
۱۷۱	آزادی ات مبارک
۱۷۲	دیدار بار
۱۷۴	استاد فرزانه جناب پروفسور امین
۱۷۶	گفتگو
۱۷۸	خط امتداد
۱۸۱	آی گنی
۱۸۳	غزل گل
۱۸۵	تو بزرگ قبیله ای
۱۸۷	بخش دوم - قصاید
۱۸۹	ای سرباز
۱۹۳	خودباوری
۱۹۵	(این به آن در)
۱۹۸	در سپیده دمان
۲۰۸	«زیبایی ای خلیج»
۲۱۱	ستاره صبح
۲۱۳	«من ایران زمینم، من ایران زمینم»
۲۱۹	«همدلی»
۲۲۹	«یادواره»
۲۳۱	بخش سوم - رباعیات

- ۲۳۳ (خانه، خانه)
- ۲۳۳ (حق شناس)
- ۲۳۳ (تکان عشق)
- ۲۳۳ (اوقات خوشش مدام)
- ۲۳۴ (طرز امیرخانی)
- ۲۳۴ (افسوس)
- ۲۳۴ (خنده‌ها)
- ۲۳۴ (گل خنده)
- ۲۳۵ (دستم رو کرد)
- ۲۳۵ (کوه‌نورد)
- ۲۳۵ (مشق پرواز)
- ۲۳۵ (این عمر عزیز)
- ۲۳۶ (آزاد شدیم لیک)
- ۲۳۶ (از دوست به دوست)
- ۲۳۶ (هفتاد بهار)
- ۲۳۶ (دگر اندیشان)
- ۲۳۷ (نماز آدینه)
- ۲۳۷ (چشمه‌ی نور)
- ۲۳۷ (در خدمت رز)
- ۲۳۷ (عهد شکن)
- ۲۳۸ (یک جبه‌ی عاشقانه)
- ۲۳۸ (برگشتنی)
- ۲۳۸ (رباعی مهر آمیز سرکار خانم طاهره لطفی (افسون))

۲۳۸	پاسخی به رباعی خانم طاهره لطفی (افسون)
۲۳۹	(هوس)
۲۳۹	(ایران)
۲۳۹	(گرده افشانی)
۲۳۹	(بهترین کلام)
۲۴۰	(پس نگاه)
۲۴۰	(طرح)
۲۴۰	(خوابش)
۲۴۱	(سمند خمر)
۲۴۱	(آدم باشد)
۲۴۱	(یلدا)
۲۴۱	(فضای روحانی)
۲۴۲	(کدام؟!)
۲۴۲	(دلسردی)
۲۴۲	(بر قله رسیده ایم)
۲۴۲	(ای داد)
۲۴۳	(مرد هنر)
۲۴۳	(یک لبخند است)
۲۴۳	(نارفته کویر)
۲۴۳	(بی نقاب)
۲۴۴	(پار پیرار)
۲۴۴	(دیدگان نمناک)
۲۴۴	(به درک)

- ۲۴۴ (خانه، خانه)
- ۲۴۵ (گفتم)
- ۲۴۵ (شمع کافوری)
- ۲۴۵ (روح بلند)
- ۲۴۵ (عجب رودادی!)

بخش چهارم - ده بیت

- ۲۴۷ (می، نه!)
- ۲۴۹ (بیا ای جان)
- ۲۴۹ (نرم و ناهموار)
- ۲۴۹ (یاد)
- ۲۵۰ (چارگل)
- ۲۵۰ (چترگل)
- ۲۵۰ (ریشه دارم)
- ۲۵۰ (دلم خواهد)
- ۲۵۱ (یادگاری)
- ۲۵۱ (دومی میاد)
- ۲۵۱ (زها)
- ۲۵۱ (گل سوسن)
- ۲۵۲ (رسوای جهان)
- ۲۵۲ (دسته گل)

بخش پنجم - مثنوی‌ها

۲۵۳

۲۵۵ (خورشید شرق)

۲۵۹ (نوجی جی)

۲۶۸ (بلیط شهرمان دست بهار است)

۲۶۹ (کلید عیش مان دست بهار است)

۲۷۱ بخش ششم - مسقط

۲۷۳ (غلط کار)

۲۸۷ بخش هفتم - مترا

۲۸۹ (شعر عاشورای شوق)

۲۹۳ (طایر فرخنده)

۲۹۵ (پایان سخن)

۲۹۷ بخش هشتم - تضمین، دوبیتی پیوسته، هیمایی

۲۹۹ تضمین از غزل استاد پورزاهد

۳۰۱ (کاش و یاد)

۳۰۳ (رایت شکوه)

۳۰۵ بخش نهم - گویش‌های محلی

۳۰۷ به قلم خانم ژاله صادقیان هنرمند رادیو و تلویزیون

۳۰۹ (این سنگی سر، اون سنگی سر)

۳۲۵ «شالبرزئی تکه»

۳۵۵ (چی بگو تم)

بخش دهم - دوبیتی‌های محلی	۳۵۹
(نالش)	۳۶۱
(الاتی تی)	۳۶۱
(انتظار)	۳۶۱
(پیتی)	۳۶۱
(نم نم بران)	۳۶۲
(گنایه)	۳۶۲
(سنگ صبور)	۳۶۲
(دزد ندیده)	۳۶۲
(سنگ پا)	۳۶۳
(دم زرچین)	۳۶۳
(قشنگه دوتر)	۳۶۳
(یه چشمی)	۳۶۳
(بیت)	۳۶۴
(درزن)	۳۶۴
(خیرمقدم)	۳۶۵
آثار خوشنویسان	۳۶۷

پیش

و در کمال درستی
و در کمال درستی

و در کمال درستی
و در کمال درستی

و در کمال درستی
و در کمال درستی

و در کمال درستی
و در کمال درستی

(گذری و نظری بر جلد دوم دیوان نیلوفر مرداب با نام «در کویر بارانی»)

اگر در گلد تانی، گل زیبایی بروید، در کنار گل های دیگر، شاید خیلی جلوه نکند. چو در گلستان است و گل، ولی نیلوفری که در مرداب بروید، جلوه ی دیگری دارد.

اما نگاهی به فضای فکری شاعر و تأثیرپذیری او از حوادث جهان پیرامونش. شاعر ضمن حفظ تعلقات ناسبه ایستی خود، نگاهی از مرزهای جغرافیایی عبور می کند تا جایی قلبش برای همی «انها در هر جای دنیا، می تپد و احساسش را در قالب های شعر کهن، در غزل، قصیده، شهنش، مستزاد، رباعی، دوبیتی و حتی گویش محلی بیان می کند. شاید خیلی ها از غایت عبور کنند ولی شاعر با طبع حساس و لطیفش، نمی تواند. چون شاعر است و احساس!

شاعر جهان را رنگین کمانی می بیند که در سایه ی حمدل و هماهنگی از تفاوت های فراوان معمول جهان و مردمان آن چه در ظاهر و چه در باطن، به وجود آمده است، توجه همگان را به آن جلب می کند، در این بیت:

به فیض آشتی آفتاب و باران است که طاق نصرت رنگین کمان، پدید آید
شاعر، گاهی که به هر دلیل فضا را تنگ می بیند و فریادش به جایی نمی رسد، روی به خدا می آورد، ناله ها و درد دل ها، و خشم و خروشش را به درگاه او می برد. چه می داند که آغوش او به گستره ی هستی به سوی بندگان باز است.

در مسقط (غلط کاری) می بینیم:

دنیا به این وسعت، فضایی تنگ دارد گویی به سر، سودای کین و جنگ دارد
جنگی خروس است این به جنگ آهنگ دارد چون هر دو پا را بر سر یک سنگ دارد
آینه در آینه، داغ ننگ دارد آری بدین سان می شتابد در تباهی
تأثیرپذیری های مذهبی را هم می توان در اشعار ایشان به وضوح دید. در
«عاشوری عشق».

کوفه ی بیداد دار عشق سر می زند، عشق پرپر می زند

زمین کربلا باید شنید آوای عشق هی هی و هی های عشق
در وطن دوستی و در خواهی در قالب قصیده یی در هفتاد بیت هنرنمایی
کرده است. (من ایران زمیم)

بنازم به این خاک فرزانه پرور نام به این مردم بی قرینم
در قصیده ی «سپیده دمان» یادی از بیزش جنگل می کند. یادی و بزرگداشتی
از سردار جنگل و دکتر حشمت طالقانی در بزم نام آلود.

طناب دار یکی بوسه داد چون حسنگ حسین رار، یکم شد جدا سر از پیکر
در گرامیداشت هایی که از شاعر در یک دهه پس از انتشار «نیلوفر مرداب»
به عمل آمده، شاعران توانایی از آن جمله جناب کیومرث عباسی متخلص به
«قصری» در غزلی با نام «با پورزاهد عجین دان هم شعر، هم شاری را»
با شعر خود این معلم، درس شهادت به ما داد

تا پیش خوکان، نریزم گلاوزه های دری را
در قصیده ی «زیبایی ای خلیج» نگاهی به حق به خلیج همیشه فارس که نامش
را تاریخ به ثبت دارد.

نام مبارکت، هم از آغاز، فارس بود تاریخ را کتیبه ی گویایی ای خلیج

در طی پنجاه سال معلّمی در مسیر دبستان و دبیرستان و دانشگاه و مدیریت آموزشی در مناطق مختلف کشور، شاعر در قصیده «یادواره» با معلّمش درد دل می‌کند.

تو ای معلّم بخرد همواره ای استاد
چنان عزیز، که بر دست، یاره، ای استاد
مرا بگرانه به پیرانه سر، چه می‌خواهم
به پای درس تو آیم دوباره، ای استاد
تا آخر

در زبان منوی به تنظیم حضرت مولانا با نام «خورشید شرق» خداوندگار را به قلمی تشبیه می‌کند. در این بیت:

قلزمی، بحری، محلی، بازگو
باز در امواج هستی سازگو
در قصیده‌ی «ای سرباز» که خطاب به هم‌شهری‌اش می‌باشد مرحوم شهید «امیر ولی الله فلاّحی» می‌گوید:

خروش رعد حضورت، به صحنه‌های نبرد
به جان دشمن دون زد شرار ای سرباز
رباعی‌ها و دوبیتی‌های شاعر از مثل‌ها، مثل‌ها محلی تا ظریف‌گویی‌های خوشباشانه! عارفانه، عاشقانه.

گلپونه، به گل نم بهاران خندد
گلپوته، به زخمی هزاران خندد
صحرای عطش، به بخل باران خندد
درویش، به ریش ره‌نگاران خندد
دوبیتی محلی:

هوا، بر مه منیه‌داران واران
سینا ابرک! نبادا «لا» بیایه
شاعر در مواقعی تنگدلی‌ها خوشباشی‌ها، آرزوها و خواست‌های خود را گاهی صراحتاً و گاهی نیز در پرده به هر صورت بیان می‌کند. این نوع ابیات در طی زمان

ضرب المثل می‌شوند و از سینه‌یی به سینه‌یی انتقال می‌یابند و ماندگار می‌گردند. به چند بیت میان غزل‌های این شاعر به نظر می‌رسد.

ابر تاری به فضا، خیمه بیاراسته است

لیک مجرای افق، چون پر غاز است هنوز

در (شرح این قصه)

به بانک، آبادی نماند اگر گلبانگ آزادی نماند

از غزل (گلبانگ آزادی)

گرچه نازا نیست (اهدای مام پیر روزگار

لیک جای شیر، گاهی زهر پستانی کند

(از غزل زهر پستانی)

به رقص ابر سترون، فراز خشک کویر

به ردباوری شوره‌زار، گریه کنیم

در غزل (گریه کنیم)

چه زیبا اقوام مختلف ایرانی را به هم پیوند داده است

کرد و لر و بلوچ و عرب، ترک و ترکمن

فرزندگان عاشق ایام آرزوست

در غزل (آرزو)

گویش‌های محلی شاعر که به لهجه و به زبان طالقانی سروده شده است علاوه بر اینکه حاوی همه‌ی ظرایف و بدایع ادبی است، یکنواخت، سبک، راحت و سهل و ماندنی است و به همین خاطر ماندگار. تا آنجا که گویش «شالبرزنی تکلّه» ورد زبان‌هاست. این گویش محلی به صدای شاعر ضبط و در سطح وسیع تکثیر پخش شده است و نقل و نقل محافل چه در طالقان و چه تا فرهنگ‌ها در شعاع

همسایگان.

در خاتمه: با بیتی از شاعر، نوشته‌ام را به پایان می‌برم.

ز یاد رفته مپنداری ام که ماندنی ام کتاب کهنه‌ی عشقم همیشه خواندی ام

رضا پورزاهد

www.ketab.ir